تلویزیون

سارق روح با کارگردانی دیگر

احمد معظمی که کارگردانی فصل نخست سریال «سارق روح» را به عهده داشت، مشغول تولید سریال «مرگ خاموش» است و با شرایط به‌وجود آمده کارگردانی فصل دوم به شخص دیگری سپرده خواهد شد. به گزارش فارس، فصل دوم سریال «سارق روح» در حالی قرار است به تولید برسد که این احتمال می‌رود کارگردانی آن به فرد دیگری سپرده شود. احمد معظمی که کارگردانی فصل نخست از این سریال را به عهده داشت، مشغول تولید سریال «مرگ خاموش» است و بعد از پایان تصویربرداری این سریال می‌تواند گروه تولید سارق روح را همراهی کند، از طرفی مرگ خاموش سریالی ۱۰۰ قسمتی است و با شرایط به‌وجود آمده بعید است معظمی بتواند ادامه کارگردانی سارق روح را به عهده داشته باشد. هومان فاضل و گروهی از نویسندگان این روزها مشغول نگارش این سریال هستند. بازیگران و گروه محتوایی «سارق روح» در فصل ۲ مشابه فصل نخست آن است. با این تفاوت که علاوه بر موضوع فرقه‌ها، آسیب‌های اجتماعی که تا به حال کمتر به آنها پرداخته شده و همچنین موضوع‌های جدیدی نیز به قصه اضافه شده است.

نمایش خانگی

«جشن دلتنگی» و «فِراری» در شبکه نمایش خانگی

شورای پروانه ساخت خانگی با ساخت یک فیلمنامه موافقت کرد. همچنین پروانه نمایش فیلم‌های «جشن دلتنگی»، «رفتن» و «فراری» صادر شد. به گزارش «وطن امروز»، بر اساس جلسه اخیر شورای پروانه ساخت خانگی که با حضور اکثر اعضا برگزار شد، با ساخت فیلمنامه «مثل یک سرباز» به تهیه‌کنندگی فاطمه عبدالمحمدی و کارگردانی علیرضا مفتخری مظاهری موافقت به عمل آمد. در این جلسه برای عناوین سینمایی ایرانی، «جشن دلتنگی» به تهیه‌کنندگی سیدعلی قائم‌مقامی و کارگردانی پوریا آذربایجانی، «رفتن» به تهیه‌کنندگی جمشید محمودی و کارگردانی نوید محمودی، «تگرگ و آفتاب» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی رضا کریمی و «فراری» به تهیه‌کنندگی جهانگیر کوثری و کارگردانی علیرضا داوودنژاد پروانه نمایش خانگی صادر شد. در جلسه شورای پروانه نمایش خانگی با عرضه ۸ عنوان فیلم خارجی، ۲ عنوان فیلم مستند و آموزشی و ۲ عنوان فیلم مراکز فرهنگی و جشنواره‌ها نیز موافقت به عمل آمد.

سینمای جهان

اکران فیلم جدید تارانتینو جلو افتاد

اکران فیلم جدید تارانتینو که با بازی برد پیت و لئوناردو دی‌کاپریو ساخته می‌شود، اندکی زود شروع می‌شود تا از تعطیلات تابستانی بیشترین بهره را ببرد. به گزارش مهر به نقل از هالیوود ریپورتر، فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» جدیدترین فیلم کوئنتین تارانتینو در عین حال که در پنجاهمین سال کشته شدن شارون تیت اکران می‌شود، اندکی زودتر از تاریخ اعلام شده قبلی به نمایش درمی‌آید تا از تعطیلات تابستانی بیشترین استفاده را ببرد. این فیلم که درباره ماجرای چارلز مانسون و گروه پیروان وی ساخته می‌شود ۲ هفته جلوتر از زمانی که پیش‌تر اعلام شده بود راهی سینماها می‌شود. در حالی که سونی پیش‌تر اعلام کرده بود این فیلم که با بازی لئوناردو دی کاپریو و برد پیت اکنون در دست فیلمبرداری است ۹ آگوست ۲۰۱۹ اکران می‌شود که دقیقا روز کشته شدن شارون تیت و دوستانش به دست فرقه مانسون است، اکنون اعلام شده فیلم ۲ هفته زودتر از ۲۶ جولای روی پرده‌های نقره‌ای می‌رود. این کمپانی اعلام کرده در عین حال که بزرگداشت پنجاهمین سال به قتل رسیدن شارون تیت مد نظر آنها بوده اما تعطیلات تابستانی نیز به این ترتیب بیشتر پوشش داده می‌شود. تارانتینو فیلمنامه این فیلم را نوشته و خودش کارگردانی آن را انجام می‌دهد. ۲ نقش اصلی فیلم شامل ریک دالتون که ستاره سابق فیلم‌های وسترن تلویزیونی بود توسط دی کاپریو و کلیف بوت همراه طولانی مدت وی توسط برد پیت اجرا می‌شوند که همسایه ریک شارون تیت بود. این فیلم نهمین فیلم تارانتینو و نخستین فیلم او پس از «داستان عامه‌پسند» است که کمپانی واینستین تهیه‌کننده آن نیست.

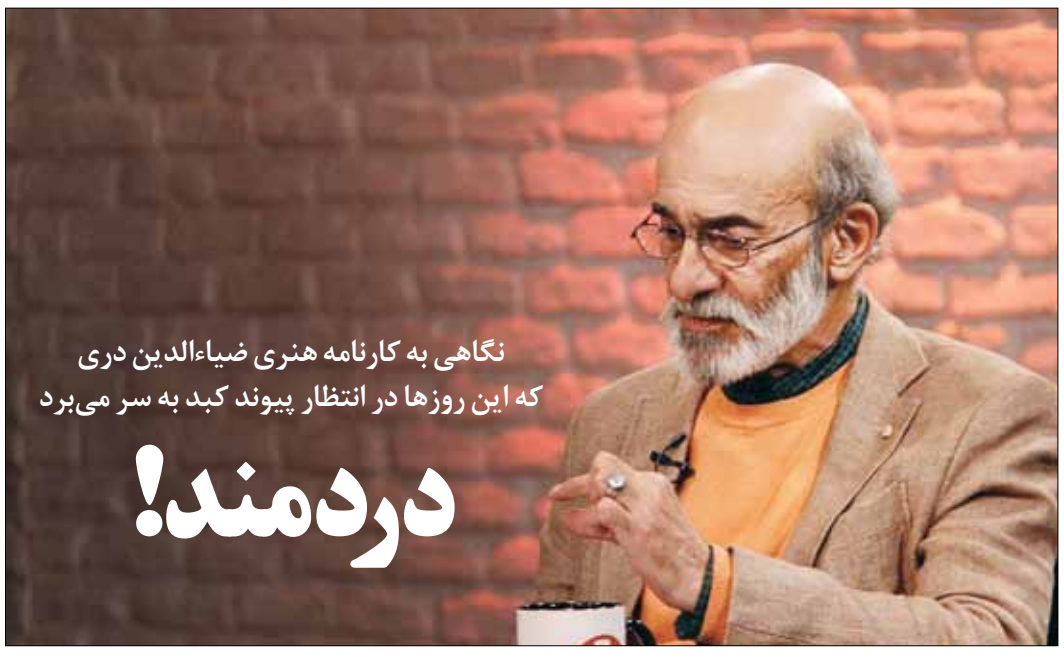

نگاهی به کارنامه هنری ضیاءالدین دری که این روزها در انتظار پیوند کبد به سر می‌برد

دردمند!

محسن شهمیرزادی: کارگردان سریال درخشان «کیف انگلیسی» این روزها در بستر بیماری است و در انتظار پیوند کبد به سر می‌برد. ضیاءالدین دری که تحصیلات خود را نیمه‌کاره در رشته ارتباطات رها کرد، در سن ۲۸ سالگی وارد دنیای سینما شد و بیش از یک دهه طول کشید تا اقبال خود را در تلویزیون پیدا کند. دری که از آغاز دهه ۹۰ و پس از پایان سریال کلاه پهلوی همواره عنوان داشته که پروژه‌های مختلفی نظیر حضرت زینب، رئیسعلی دلواری و... را در دستور کار دارد، با این وجود همچنان در انتظار است تا موافقت مدیران تلویزیونی برای تولید آثار تاریخی، او را به سیمای ملی بازگرداند.

■ سینما، سینمانبود

ضیاءالدین دری اگر چه با فیلم «گرداب» و در کسوت مشاور کارگردان در سال ۱۳۶۰ به دنیای سینما وارد شد اما او با «صاعقه» در سال ۱۳۶۳ نخستین تجربه کارگردانی خود را از سر گذراند. این فیلم که در ملودرامی خانوادگی روایت می‌شود، درباره زن و شوهر جوانی به نام حسن و آذر است که بلندپروازی‌های زن، شوهر را به رشوه‌خواری واداشته و سر آخر نیز به سکته قلبی حسن و مرگ وی ختم می‌شود. «صاعقه» اگر چه درون‌مایه متفاوتی را در سینمای خانگی تجربه کرد اما با عامه‌پسند بودن فاصله فراوانی داشت و در گیشه شکست سختی را تحمل کرد به گونه‌ای که باعث شد دری ۱۱ سال از سینما فاصله بگیرد. «لژیون» دیگر اثر دری بود که در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ جلوی دوربین رفت اما حدود ۷ سال طول کشید تا این اثر به سرانجام برسد. همین اتفاق موجب شد فیلم چندپاره به نظر برسد و با وجود درون‌مایه سیاسی و بهره بردن از بازیگرانی چون خسرو شکیبایی، دانیال حکیمی، هما روستا و... نتواند اقبالی در گیشه داشته باشد. «سینما سینماست» در سال ۷۵ تجربه جدید دری محسوب می‌شد که به پشت صحنه سینما می‌پرداخت؛ «رضا کیانیان» در این فیلم در نقش کارگردانی ظاهر شد که با انتخاب دختری جوان برای ایفای نقش اصلی فیلم وارد ماجراهای پیچیده‌ای می‌شود. بازی خوب کیانیان در کنار کارگردانی سنجیده دری، از نقاط قوت فیلم محسوب می‌شد که بازی بسیار ضعیف و اغراق شده مریم مقدم به کیفیت آن لطمه زد. دری در همان سال بار دیگر با «باد و شقایق» به پشت صحنه زندگی هنرمندان توجه نشان داد؛ در آن به داستان کارگردانی به نام رامین پرتوی می‌پردازد که بابت اعتیاد کار خود را در تلویزیون از دست داده و زندگی شخصی‌اش هم دچار مشکلات فراوانی می‌شود. او که تصمیم به ترک اعتیاد گرفته و در آن موفق می‌شود، با تشویق عزت‌الله انتظامی در نقش خود، بار دیگر به دنیای هنر بازمی‌گردد و اثر سینمایی با مضمون اعتیاد تولید می‌کند اما در نهایت و در خلال تولید فیلم بار دیگر به اعتیاد بازمی‌گردد و زندگی‌اش با آلوده شدن به ویروس ایدز پایان می‌یابد. دری در میانه دهه ۸۰ با ۲ فیلم «عشق ممنوع» و «من و دبورا» به فعالیت خود در سینما پایان بخشید و این ۲ فیلم هیچگاه نتوانستند به اکران عمومی برسند.

■ مهره مار در کیف انگلیسی

ضیاءالدین دری اگر چه با سینما به تجربه خوبی نرسید اما حضور او در تلویزیون شگفتی آفرید؛ هم برای او و هم مخاطبان رسانه ملی که پیش از این از تماشای مجموعه‌ای چون «کیف انگلیسی» بهره‌مند نشده بودند. اثری تاریخی- سیاسی که با وجود درونمایه خشک آن، مخاطبان عام و خاص را از خود راضی نگه داشته بود و به صورت محسوسی بین نمایش کیف انگلیسی با خلوت شدن خیابان‌ها رابطه مستقیمی برقرار شده بود؛ اثری تاریخی که در دهه ۱۳۲۰ روایت می‌شد. دورانی که یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی ایران محسوب شده و تحولات بسیاری از جمله پایان یافتن جنگ دوم جهانی و سقوط رضا شاه و تقابل سه‌گانه ملی، مذهبی مارکسیستی در آن برهه برجسته به نظر می‌رسد. دهه‌ای که همچنان سوژه‌های فراوانی را برای پرداخت سینمایی و تلویزیونی در خود دارد و آثاری چون مجموعه شهرزاد از این برهه برای پرداخت سوژه‌های خود بهره بردند. اما کلاه پهلوی به صرف روایت تاریخی جذاب نبود، شخصیت‌پردازی کم‌نظیر و روایت بازی سیاست در بطن تاریخ بر جذابیت این اثر افزوده بود. روایتی از بازی‌های سیاسی که در دل قدرت صورت می‌گیرد. گروه‌های اپوزیسیونی که نان مبارزه را می‌خوردند و در طول زمان خود به استحکام ظلم و حکومت پهلوی کمک می‌رساندند و عملا از ارکان حکومت می‌شدند. این سریال روایتی پرکشش و جذاب را با خود به همراه دارد که موجب شده فضای سخت سیاست و قدرت و حرف‌های جدی دری در این روایت جذاب عامه‌پسند شوند.

■ کلاه پهلوی؛ درجا زدن آقای کارگردان

روایت تلویزیونی تاریخ برای دری خوش‌یمن بود، او پس از تجربه موفق کیف انگلیسی سراغ «کلاه پهلوی» رفت. این سریال که در همان حال و هوای کیف انگلیسی سیر می‌کرد، ابتدای دهه ۹۰ روی آنتن شبکه یک رفت. از آنجایی که کلاه پهلوی به کارگردانی خالق کیف انگلیسی تولید شده و از سوی دیگر بنا بود جایگزین مختارنامه در کنداکتور جمعه‌های شبکه یک شود، انتظارات زیادی را با خود به همراه داشت؛ انتظاراتی که برخلاف تعداد بالای بازیگران چهره این سریال، برآورده نشد و دری اگر چه با کلاه پهلوی شکست نخورد اما نمی‌توان گفت او بعد از کیف انگلیسی تجربه درخشان دیگری را از سر گذرانده است. این سریال روایتی از شخصیتی به نام «فرخ باستانی» است که از طبقات ضعیف جامعه سر برآورده اما دست تقدیر او را برای تحصیل به پاریس می‌کشاند. وی که پس از اتمام تحصیل به ایران بازمی‌گردد، با سفارش سفیر ایران در فرانسه به عنوان فرماندار شهرستان «سامان» منصوب می‌شود. او با قرار گرفتن در این سمت به مرور اقدام به تخریب بافت سنتی شهر کرده و در پی ایجاد فرهنگ «از نوک پا تا فرق سر غربی شدن» تحولات مختلفی را در این شهر نمادین به وجود می‌آورد و با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شود.

■ در انتظار فرصتی دوباره!

ضیاءالدین دری پس از کلاه پهلوی همواره در گفت‌وگو با رسانه‌ها از ایده‌های متفاوت خود پرده برداشته است. در این میان سریال حضرت زینب(س) و رئیسعلی دلواری از جمله آنهاست که به اذعان وی، مورد نخست سال‌هاست در کشوی مدیران سیاستگذار صداوسیما خاک می‌خورد و دیگری را برای تولید در خارج از ایران تدارک دیده است. اگر چه دری در این سال‌ها بیشتر روند کم‌کاری را در پیش گرفته و حضورش بیشتر از عرصه تولید فیلم در جایگاه‌های مدیریتی سینما از جمله شورای صدور پروانه نمایش آثار سینمایی بود اما به نظر می‌رسد این کارگردان همواره دردمند و دغدغه‌دار، فرصتی دیگر نیاز دارد تا حرف‌های جدی خود را در قالب روایتی جذاب به تلویزیون بیاورد؛ اتفاقی که این روزها کمتر در رسانه ملی دیده می‌شود و جلب مخاطب تنها در سرگرمی محض و دورهمی‌های خندوانه‌ای خلاصه شده است.

رویداد

پیگیری قضایی حواشی ماجرای مؤسسه ثامن‌الحجج

علیخانی: آن دزد اموال بیت‌المال و مردم من نیستم

هفته پیش یکی از رسانه‌ها با انتشار گزارشی مدعی شد که پای برخی از سلبریتی‌ها از جمله ۲ نفر از مجریان تلویزیون به پرونده موسسه مالی ثامن‌الحجج باز شده است؛ ادعایی که با استفاده از عناوین اختصاری ذکر شده بود ولی برخی از رسانه‌ها به سرعت از این عناوین اختصاری که با توجه به توضیحات مطرح شده در گزارش آن رسانه، تشخیص آن کار سختی هم نبود، نام این اشخاص را «احسان علیخانی» و «مهران مدیری» ذکر کردند. به گزارش «وطن‌امروز»، این موضوع با واکنش این چهره‌ها روبه‌رو شد. گذشته از موضع وکیل مهران مدیری که در واکنشی رسمی اعلام کرد مهران مدیری از این رسانه و رسانه‌های بازنشردهنده این خبر شکایت می‌کند، احسان علیخانی نیز با نگارش نامه‌ای نسبت به این موضوع واکنش نشان داد. در بخشی از این نامه آمده است: «من احسان علیخانی مجری و تهیه‌کننده تلویزیون و سینما هستم. اگر منظور رسانه‌های مجازی و غیرمجازی از «ا-ع» همان احسان علیخانی است که باید بگویم اشتباه گرفتید. آن دزد اموال بیت‌المال و مردم من نیستم. موسسه

ثامن‌الحجج سال‌ها قبل از همکاری با گروه اجتماعی شبکه ۳ در تمامی رسانه‌های رسمی کشور حضور داشته که معنای این حضور پررنگ یعنی داشتن مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح. موسسه مذکور در سال ۹۱ تقاضای همکاری با گروه برنامه‌ساز ما را داشته و شبکه بعد از بررسی و استعلام از مراجع ذی‌صلاح و دریافت مجوز تبلیغات از موسسه، بنده را به عنوان تهیه‌کننده به این موسسه معرفی کرد. یعنی مثل تمام تهیه‌کنندگان سازمان، نه بیشتر و نه کمتر...». همچنین ناصر کریمان، مدیر گروه اجتماعی شبکه ۳ نیز در واکنش به این اتفاق گفت: «احسان علیخانی صرفاً با معرفی مجموعه سیما، کاری را انجام داده و اینها با نظارت و کنترل شبکه بوده است، کما اینکه مراجع ذی‌صلاح هم نسبت به این قضیه اطلاع پیدا کرده‌اند، پس به نظر می‌رسد این شتابزدگی در قضاوت و انتشار خبر ناقص، بیشتر یک کار ژورنالیستی و رسانه‌ای است. شخص احسان علیخانی و همچنین سازمان صداوسیما پیگیر مطلب منتشر شده از طریق مراجع قضایی هستند و قطعاً تا شفاف‌شدن دقیق ماجرا دست از پیگیری بر نخواهند داشت».

یادداشت

نگاهی به رمان «آوازهای روسی» اثر احمد مدقق

تجربه‌ای تازه از سفر به افغانستان

حسام آبنوس: «آوازهای روسی» عبارتی است که روی جلد رمانی از منشورات موسسه شهرستان ادب نقش بسته است. هرکس در اولین مواجهه با اثر اندکی روی آن مکث می‌کند. شاید تلفیق عنوان رمان با طرحی از سلاح کلاشنیکف روسی، مخاطب را بیشتر کنجکاو می‌کند تا سر از صفحات میانی این رمان در بیاورد. شاید همین چند خط، کنجکاوی شما را برانگیخته باشد تا بخواهید اگر فرصت مطالعه رمان ۲۳۸ صفحه‌ای «آوازهای روسی» را ندارید، این متن را تا پایان بخوانید و سر از کار این اثر در بیاورید. البته همین ابتدا باید این نوید را داد که قرار نیست در این متن با قصه یا خلاصه داستان کتاب روبه‌رو شوید بلکه هرچه بیشتر جلو بیایید بیشتر ترغیب می‌شوید زودتر به اثر دست پیدا کنید و هرچه سریع‌تر قال قضیه را بکنید و... حالا نوبت مشت دوم است، پس مراقب خودتان باشید. احمد مدقق، نویسنده افغانستانی این رمان را نوشته و فرصتی برای خواننده ایرانی و البته فارسی‌زبان فراهم کرده تا از دریچه یک اثر ادبی با کشورش آشنا شود. لازم نیست به خط قبل بازگردید، نویسنده این اثر یک افغانستانی است و او از دریچه رمان با خواننده خود که زبان فارسی پیونددهنده اصلی میان ملت‌های ایران و افغانستان است، به گفت‌وگو نشسته است. شاید هرکدام از شما آثار بسیاری از نویسنده‌های غیرایرانی خوانده باشید، نویسنده‌های روسی، آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، آمریکایی، ژاپنی، ترک و حتی عرب‌زبان اما شاید اگر پرسیده شود آیا اثری از یک نویسنده افغانستانی که اتفاقا آثارشان به زبان فارسی نوشته می‌شود و نیازی به ترجمه هم ندارد، خوانده‌ایم، پاسخ‌مان منفی باشد! این یعنی با وجود فاصله کم جغرافیایی و حتی از آن کمتر فاصله ناچیز فرهنگی اما کمتر از حال و روز تولیدات فرهنگی یکدیگر باخبر هستیم و اغلب تصویری مخدوش از یکدیگر در ذهن داریم. تصویری که ساخته جهل است و البته بخشی از آن هم ناشی از کم‌کاری اهل فرهنگ اما با این حال موسسه شهرستان ادب این امکان را فراهم کرده که اثر یک نویسنده افغانستانی به دست مخاطبان برسد و بتواند از طریق آن باب گفت‌وگو و آشنایی ۲ ملت با یکدیگر را باز کند. بهتر است دیگر به روی‌تان نیاورم که گوشه رینگ هستید و گارد خود را باز کرده‌اید! در رمان «آوازهای روسی» دیگر با فضای آپارتمان‌های بسته و نماهای دودزده اغلب رمان‌های فارسی روبه‌رو نیستیم بلکه نویسنده دست خواننده‌ای که به او اعتماد کند را می‌گیرد و با خود به مناطقی می‌برد که شاید تا پیش از آن تجربه سفر کردن به آنجا برایش فراهم نبوده است. حتی اگر تجربه سفر به افغانستان را هم داشته باشید، دیگر در زمان که مسافرت نکرده‌اید و همراه با یک خان‌زاده به کابل و کوچه‌پس‌کوچه‌های آن نرفته‌اید. حتی شاید بگویید که مثلا در رمان «بادبادک باز» خالد حسینی چنین تجربه‌ای داشته‌اید اما باید بگویم در آنجا هم شما از فیلتر ترجمه گذر می‌کنید و طبیعی است تجربه زبان را از دست می‌دهید اما در «آوازهای روسی» بی‌واسطه با زبان وارد تجربه نویسنده می‌شوید. تجربه حضور در ۴۰ سال پیش و همراهی با کودتاچیان با گرایش‌های چپ تجربه‌ای است که حین خواندن رمان «آوازهای روسی» احمد مدقق با آن همراه می‌شوید. عشق و خیانت برجسته‌ترین مولفه‌هایی است که در شخصیت‌های این اثر خواننده با آن روبه‌رو است. تردید و سرگردانی مهم‌ترین ویژگی شخصیت اصلی این داستان است. «یعقوب» پسر یکی از خان‌های افغان است که برای تحصیل به کابل آمده اما با گروه‌های مبارز چپ آشنا می‌شود و در به قدرت رسیدن آنها نقش ایفا می‌کند و با آنها همراه می‌شود. اما در میانه مسیر... قرار بود از قصه حرفی نزنیم و خب بهتر است جمله بالا همین‌طور ناتمام رها شود و خودتان آن را تکمیل کنید. اما اینجا لازم است به نثر ویژه این اثر اشاره کرد. خواننده در مواجهه با نثر «آوازهای روسی» خود را در دنیای تازه‌ای از زبان و ترکیب‌های زبانی می‌بیند که برایش تازگی دارد و همین می‌تواند او را سر شوق بیاورد تا سطر به سطر پیش برود و صفحات آن را با ولعی سیری‌ناپذیر ببلعد. عباراتی که شیرینی آنها بر جان خواننده می‌نشیند و البته اندکی افسوس او را برمی‌انگیزد که با این میزان قرابت زبانی و البته شیرینی لحن اما به دلیل رفتارهایی که استکبار بر سر ملت‌ها آورده از یکدیگر دور هستیم. «شفاخانه دو صد بستر» به جای «بیمارستان دویست تخت‌خوابی» یا به جای عبارت «چای شیرین» از ترکیب «چای شکر» استفاده کردن، همه از زمینه‌هایی است که خواننده را ترغیب می‌کند بیشتر با اثر احساس قرابت و نزدیکی کند و حرف‌های نویسنده بر جانش بنشیند. این شیرینی به قدری است که گاهی خواننده از اینکه نویسنده تکلیف خود را با روایت روشن نمی‌کند، بگذرد. به این معنا که نویسنده گاهی فراموش می‌کند مشغول قصه گفتن است و لحن را از دست می‌دهد و نمی‌تواند قصه‌اش را تعریف کند و وارد فضاهایی می‌شود که اندکی غریب و نامانوس است و با حال و هوای داستان و قصه همخوانی ندارد. نویسنده گاهی فراموش می‌کند که باید در بستر رمان حرکت کند و حتی گاهی خواننده در نمی‌یابد که حدیث نفس شخصیت اصلی را می‌خواند یا مشغول بازخوانی یک بازگشت به گذشته است و به نظر می‌رسد این مسأله ناشی از ضعف نویسنده است و همین مساله سبب می‌شود خواننده گاهی از روال داستان پرت شود. در مجموع رمان «آوازهای روسی» پیشنهاد تازه‌ای در فضای داستان امروز است و با وجود برخی نکات که اتفاقا قابل چشم‌پوشی است، با این حال خواننده از خواندن لذت خواهد برد. رمان «آوازهای روسی» اثر احمد مدقق را نشر شهرستان ادب با قیمت ۱۹ هزار تومان منتشر کرده است.

کتاب

افسران جنگ نرم در بازار کتاب

کتاب «افسران جنگ نرم» مجموعه رهنمودها و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در موضوع دانشگاه‌ها، دانشجویان، اساتید و تشکل‌های دانشجویی منتشر شد. به گزارش تسنیم، این کتاب از مجموعه رهنمودها و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در موضوع دانشگاه‌ها، دانشجویان، اساتید و تشکل‌های دانشجویی تهیه شده است. رهبری انقلاب از دانشجویان با عنوان «افسران جنگ نرم» یاد کرده‌اند، به همین جهت کتاب با این عنوان منتشر شده است. در این کتاب امیدها، انتظارات، نگرانی‌ها و ویژگی‌های مورد نظر و مطالبه رهبری از دانشگاه‌ها و دانشجویان بررسی شده است. کتاب در ۱۵ فصل و ۴ پیوست، تنظیم و ارائه شده است. زیرنویس‌های متعددی در کتاب برای توضیحات لازم در زمینه اصطلاحات، حوادث و اشخاصی که رهبری از آنها نام برده‌اند ارائه شده و از این لحاظ مجموعه کامل شده است. عناوین برخی فصل‌ها عبارتند از: پیشینه دانشگاه، لوازم ایفای نقش مثبت دانشگاه‌ها، ویژگی‌های مثبت و منفی دانشجویان، جنبش دانشجویی و نقاط مثبت و منفی آن، تولید علم و تحقیق و پژوهش در دانشگاه‌ها، ارتباط صنعت و دانشگاه و دانشگاه مورد انتظار انقلاب. کتاب افسران جنگ نرم در قطع رقعی و با قیمت ۳۰ هزار تومان توسط انتشارات قدر ولایت روانه بازار نشر شده است.

■■■

انتشار کتابی درباره نابغه «حیدریون»

کتاب زندگینامه مجاهد شهید مرتضی حسین‌پور با اسم جهادی حسین قمی بزودی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، وی در ۳۰ شهریور سال ۱۳۶۰ به دنیا آمد. مرتضی در رشته مهندسی الکترونیک دانشگاه ساوه قبول شد ولی حسب تکلیف وارد دانشگاه امام علی(ع) و بعد از آن وارد سپاه پاسداران شد. او در دانشکده افسری دوره آموزشی را گذراند و از سال ۱۳۹۲ در مناطق درگیری در عراق و سوریه حضور داشت. وی از فرماندهان محورهای عملیاتی «غوطه شرقی» دمشق در سال ۱۳۹۲ بود. سال ۱۳۹۳ با ورود داعش به عراق، وی به این کشور اعزام شد. شهید قمی جزو نخستین‌افرادی بود که به همراه حاج قاسم سلیمانی در پدافند بغداد- سامرا مشارکت داشت. وی در فرماندهی عملیات شکستن حلقه محاصره بلد- سامرا نقش بسزایی داشت. مرتضی در طول این مدت ۶ بار مجروح شد. نبوغ و مجاهدت‌های او به‌گونه‌ای بود که فرماندهان به او لقب «حسن باقری زمان» را دادند. وی فرماندهی چند پایگاه در کشور عراق را به عهده داشت و در آزادسازی حلب، آزادسازی دیرالزور، نبرد تدمر، شکستن محاصره سامرا و بلد نقش بسزایی داشت به گونه‌ای که بعد از شهادتش به عنوان شهید نمونه کشوری انتخاب شد. مرتضی حسین‌پور، فرمانده عملیات قرارگاه حیدریون در سوریه بود که ۱۶ مرداد ۹۶ در منطقه تدمر سوریه در جریان فرماندهی نیروهای عراقی به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

خبر

نخستین دوره «مدرسه رسانه» فراخوان داد

ثبت‌نام در نخستین دوره «مدرسه رسانه» ویژه ترم تابستان آغاز شد. به گزارش «وطن امروز»، این دوره شامل ۳ کارگاه آموزشی کاربردی است که داوطلبان می‌توانند در هر کدام به صورت جداگانه و به دلخواه شرکت کنند: کارگاه ویکی‌نویسی (با تدریس احمد پرهیزی)، کارگاه ساخت پادکست (با تدریس وحید استیری) و کارگاه ریویونویسی (با تدریس حسن صنوبری). این ۳ کارگاه برای ترم تابستان طراحی‌شده و همه مقدماتی هستند. در ترم‌های بعدی عناوین دیگری هم به این کارگاه‌ها افزوده می‌شود. مهلت ثبت‌نام برای این کارگاه‌ها تا ۱۵ مردادماه ۱۳۹۷ تعیین شده است و ظرفیت کلاس‌ها محدود است. زمان برگزاری کلاس‌های مدرسه رسانه بعدازظهر روز شنبه (کارگاه ویکی‌نویسی)، یکشنبه (کارگاه پادکست) و دوشنبه (کارگاه ریویونویسی) از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۷ است. فارغ‌التحصیلان برگزیده هر یک از این کارگاه‌ها به همکاری پاره‌وقت با دفتر رسانه شهرستان ادب دعوت می‌شوند. «مدرسه رسانه» عنوان مجموعه کارگاه‌های آموزشی کاربردی رسانه‌ای است که توسط دفتر رسانه موسسه فرهنگی- هنری شهرستان ادب با هدف آموزش مهارت‌های رسانه‌ای طراحی شده است.